

اصل برابری و عدم تبعیض در برخورداری از تامین اجتماعی در حکومت اسلامی

^۱ رامین موحدی

^۲ سید حسین ملکوتی هشتجین

^۳ ابوالفضل رنجبری

چکیده

تامین اجتماعی از مهم ترین ساز و کارهای تحقق عدالت اجتماعی محسوب می شود، نظام حقوقی ایران به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش شعارهای عدالت و برابری، و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری، دست کم در سیاستها و برنامه ها به دنبال تحقق عدالت اجتماعی از طریق ساز و کار تأمین اجتماعی در اصول متعدد قانون اساسی و قوانین عادی بوده و هست. با نگاهی به حکومت صدر اسلام (دولت پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع)) مبرهن می شود که این دولت اسلامی ایران، نیز که قانون اساسی آن با تأسی از قوانین و اصول اسلامی تنظیم گردیده، تلاش نموده تا قواعد حاکم بر تامین اجتماعی را نیز بر مبنای اصولی همچون اصل برابری و پرهیز از هرگونه تبعیض وضع نماید و قانونگذار دولت اسلامی را ملزم به دخالت در اجرا و نظارت بر آن نموده است. بنابراین قوانین تامین اجتماعی در ایران هر چند آنگونه که در اهداف اولیه آن وضع گردیده، به جهت کمبود منابع و افزایش جمعیت تحت پوشش، نتوانسته منطبق با اصول حکومت اسلامی حرکت نماید، اما تلاش های صورت گرفته بیانگر اراده حکومت اسلامی در طی مسیر برقراری عدالت و مساوات در این حوزه می باشد.

واژگان کلیدی

اصل برابری، تامین اجتماعی، حکومت اسلامی، رفاه، عدم تبعیض.

۱. دانشجوی دوره دکترای تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: ramin.movahhedi@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Email: <mailto:malakooti@tabrizu.ac.ir>

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: a.ranjbari@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۹/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۲

طرح مسأله

پایه و اساس اسلام بر مبنای تعاون و همیاری بنا گذاشته شده است و اعمالی همچون احسان و همدردی با همنوع، از جمله با فضیلت‌ترین اعمال در نظام اسلامی محسوب می‌گردند. و نقطه تبلور این اعمال زمانی هویدا می‌گردد که انسان با خطر یا مشکلی مواجه بوده، و مقابله با آن به تنهایی از توان او خارج است، لذا ورود حکومت اسلامی به جهت یاری رساندن و مساعدت در حل مشکل، می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین اهداف اجتماعی در حکومت اسلامی محسوب گردد. معتبرترین مصداق در خصوص توجه حاکم اسلامی به وضعیت شهروندان خویش، را باید در حکومت عدل علی (ع) جستجو نمود، هر چند که حکومت امیرالمومنین (ع) به لحاظ طولی چندان طولانی نبود، اما به جهت عرض حکومت، با سایر حکومت‌های صدر اسلام، که بعد از پیامبر (ص) بر ولایت مسلمین حکومت می‌نمودند برابری کرده و در برخی از امور مهم نیز از آنها پیشی گرفته است. از جمله این امور می‌توان به توجه حضرت به رفاه و برقراری تأمین اجتماعی در بین شهروندان است، آنجا که می‌فرماید: «احدی در کوفه نیست - هر چند از پایین‌ترین طبقه مردم باشد - مگر اینکه گندم می‌خورد، در سایه می‌نشیند و از آب فرات می‌نوشد.»^۱ (حکیمی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۰)

با این وصف توجه حکومت اسلامی به موضوع تأمین اجتماعی بدون در نظر گرفتن، برخی از مولفه‌ها نمی‌تواند بیانگر اجرای دقیق آن محسوب گردد. از جمله مولفه‌های مهم در این حوزه می‌توان به برابری و عدم تبعیض اشاره نمود که البته با نگاهی به مبانی ظهور و گسترش اسلام، می‌توان به این نتیجه دست یافت که اصل برابری و تساوی و عدم تبعیض بین شهروندان از جمله اصولی است که همواره مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته و احادیث برجسته‌ای در این خصوص بر پیامبر نازل گردیده است که از مرتبط‌ترین احادیث از سوی حضرت رسول می‌توان به حدیثی اشاره نمود که ایشان فرمودند: «مسلمانان با هم برادرند و هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد، جز به تقوی» (الهندی، ۱۴۱۹، ص ۱۴۹) با این وصف در مقاله حاضر اهتمام بر آن است تا برقراری تأمین اجتماعی را با محوریت بر اصول برابری و عدم تبعیض از سوی حکومت اسلامی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

مفهوم تأمین اجتماعی^۲

تعریف دقیق یا حداقل تعریفی که مورد قبول همگان باشد، از تأمین اجتماعی ارایه نشده

۱- ما أصبَحَ بالكوفةِ أخذُ و إن أدناهم منزلةً إلا لياكلُ البُرَّ و يجلسُ فی الظلِّ و یسربُ من ماءِ الأفرات

است. به نظر می‌رسد، بررسی مساله تأمین اجتماعی همواره با دو جهت گیری همراه بوده است. یکی نظریه تفسیر مضیق از تأمین اجتماعی و دیگری بیان مفهومی موسع از آن می‌باشد. در دید موسع، تأمین اجتماعی مجموعه‌ای از سیاست‌ها، ساز و کارها و برنامه‌های عمل برای حمایت از آسیب پذیران و کمک رسانی به مددجویان است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

در نگاه مضیق نیز شاید بتوان آن را به مفهوم بیمه بیکاری یا یکی از سایر انواع بیمه‌هایی که برای قشر آسیب‌پذیر جامعه در نظر گرفته می‌شود، تعریف کرد.

از بعد تطبیقی، واژه تأمین اجتماعی حداقل در قانون فدرال آمریکا راجع به تأمین اجتماعی که در سال ۱۹۳۵ به تصویب کنگره رسید، به مفهوم حقوقی آن مطرح شده و دارای مفهوم عامی از حیث هدف حمایتی دولت است که از حالت محدود تعریف به بیمه و بیمه کارگران تا سیستمی از حمایت اجتماعی از تمامی ضعفا و نیازمندان را شامل می‌شود (واتسون، ۱۹۸۰، ص ۱).

عده‌ای از دانشمندان در بیان مفهوم تأمین اجتماعی بیشتر بر روی بحث «سیاست‌گذاری» تأکید کرده‌اند. (اتکینسون، ۱۹۸۹، ص ۹۹) واژه «تأمین اجتماعی» را دارای معنایی دوجانبه می‌دانند که سیاست‌گذاری دولت در زمینه تأمین اجتماعی یا مجموعه‌ای از رویه‌ها را شامل می‌شود و در هر صورت بیش از اینکه نتیجه اقدام عملی باشد، ناشی از طرز تفکر دولتها و رویه‌ای است که آنها به عنوان یکی از ابعاد سیاست کلان خود در زمینه تأمین اجتماعی لحاظ می‌کنند.

در تعریفی دیگر تأمین اجتماعی چنین تعریف شده است:

مجموعه اقدامات سازمان یافته‌ای که جامعه برای حمایت از اعضای خود به هنگام تنگناهای اقتصادی و اجتماعی (مانند بیماری، بیکاری، حادثه ناشی از کار، پیری واز کار افتادگی و مرگ سرپرست خانواده که فرد و خانواده اش را دچار بحران می‌کند) پیش بینی و انجام می‌دهد.

با توجه به مطالب گفته شده و تعریفی که از مفهوم تأمین اجتماعی ارائه شد حقوق تأمین اجتماعی را می‌توان اینگونه تعریف کرد:

حقوق تأمین اجتماعی مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر اقداماتی است که جامعه به نحو سازمان یافته برای حمایت از اعضای خود به هنگام پریشانی‌ها و تنگناهای اقتصادی و اجتماعی انجام می‌دهد. (استوار سنگری، ۱۳۹۳، ص ۱۸)

تعریف اجتماعی از نگاه اسناد بین المللی نیز خارج از تعاریف فوق نمی‌باشد به عنوان مثال در مقاله نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین المللی کار که در چهارم ژوئن ۱۹۵۲ به تصویب رسید سعی کرد همه خطرها را پوشش دهد. از نظر این مقاله نامه، تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه قطع یا کاهش

شدید درآمد افراد به علت بیماری، بارداری، حوادث و بیماری‌های ناشی از کار، بیکاری، از کار افتادگی، سالمندی و فوت و نیز افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله بندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد. (پناهی، ۱۳۷۶، ص ۹۱)

البته قبل از ارائه تعریف فوق، در سال ۱۹۳۵ در قانون آمریکا تأمین اجتماعی چنین تعریف گردیده بود: حمایتی است از اقشار مختلف جامعه که بر اثر بحران‌های اقتصادی و... وضعیت آنها دگرگون شده و در برابر خطرهای اجتماعی بیکاری، مرگ سرپرست خانواده، پیری و از کار افتادگی، آن هم از طریق کمک‌های اجتماعی و نیز بیمه‌های اجتماعی. این حمایتها تنها محدود به رفع آثار خطرهای اجتماعی نیست و پیشگیری از آنها را نیز در نظر دارد.

تعریف تأمین اجتماعی در سال ۱۹۵۲ با تعریف ارائه شده در سال ۱۹۳۵ قانون آمریکا دارای تفاوت‌هایی می‌باشد البته بسیاری از حقوقدانان نیز با این مساله که تأمین اجتماعی شامل پیشگیری هم بشود مخالفند. عمده دلیل آنها اینست که در آن صورت نمی‌توان برای تأمین اجتماعی حد و مرزی قائل شد. (عراقی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۳)

مفهوم عدالت^۱

بین همه ی افراد نوعی وحدت، هماهنگی و تساوی در حقوق اساسی ضرورت دارد و لذا هیچ کس و هیچ گروهی نمی‌تواند مناصب بالا و مشاغلی عالی در انحصار خود و دیگران را محکوم فرمانبری و تصدی کارهای پست بداند. و برای هیچ دسته ای حقوق خاص و امتیازات معینی وجود ندارد که برای دیگران حقوق و امتیازاتی کم تر. عدالت در اینچنین حوزه ی فکری آنست که امکانات مساوی برای پرورش افراد و شکوفایی استعدادها فراهم گردد و همه بتوانند تا سرحد کشش و استعداد خود پیش روند. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۸)

از گذشته، تعاریف پرشماری چه در میان متفکران مسلمان و چه در میان اندیشمندان دیگر مطرح شده است بررسی میزان کامیابی این تعاریف در نشان دادن سرشت واقعی عدالت، رسالت اصلی این محور است برای نمونه باید بحث شود که آیا تعریف مشهور اعطای حق هر صاحب حق که هم در غرب و هم در جهان اسلام عده زیادی آن را معرفت حقیقت می‌شناسند می‌تواند جنبه‌های محتوایی عدالت را پوشش دهد. یا صرفاً "در سطح جهات شکلی و قالبی عدالت تعریفی موفق است. به همین لحاظ جهت روشن شدن موضوع ابتدا به اقسام عدالت پرداخته و در ادامه نظریات مهم در این حوزه را مورد بحث قرار خواهیم داد. (شادمان، ۱۳۹۵، ص ۶۳)

گسترده‌گی دامنه کاربرد عدالت صاحب نظران را بر آن داشته است که به کمک تقسیم بندی، بر این پراکندگی غلبه کرده، مباحث را در ذیل مقوله‌های محدودتری دنبال کنند. در اینجا

به اختصار برخی از این تقسیم بندی‌ها اشاره می‌کنیم :

ارسطو در کتاب اخلاق نیکوماخوس، عدالت را به دو بخش عدالت توزیعی ۱ و عدالت اصلاحی، تادیبی یا تصحیحی ۲ تقسیم می‌کند. عدالت توزیعی، به مسئله توزیع و تقسیم دارائی‌ها و ثروت، حقوق و مزایا و امتیازات اجتماعی میان افراد جامعه مربوط می‌شود و عدالت تادیبی، در واقع بیان نظر مجازات عادلانه است. بنابراین عدالت کیفری به عمل خطا و قانون شکنی مربوط است. (ارسطو، ۱۳۸۳، ص ۱۹)

از سوی دیگر ابونصر فارابی عدالت را به اعم و اخص تبدیل می‌کند مراد وی از عدالت اعم یا عام در فصل شصتم از کتاب فصول المدنی به آن می‌پردازد. به کار بستن افعال فضیلت در مناسبات اجتماعی و رفتار با دیگران است. او در فصل پنجاه و هشتم این کتاب عدالت خاص یا اخص را به دو بخش تقسیم می‌کند قسم اول، عدالت در قسمت و توزیع بر اساس استحقاق افراد است و قسم دوم آن عدالت در حفظ است. اقتضای عدالت حفظی آن است که پس از توزیع عادلانه مواهب و خیرها، اگر لطمه‌ای به سهم عادلانه فرد وارد شود از طریق دزدی، غصب و مانند آن. به مقدار برابر جبران شود و حق او بازگردانده شود. (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۲۸)

عدالت از زاویه‌ای دیگر به عدالت مقایسه‌ای و غیر مقایسه‌ای تقسیم می‌شود. عدالت توزیعی از مصادیق عدالت مقایسه‌ای و عدالت قضایی از موارد عدالت غیر مقایسه‌ای به شمار می‌آید. در عدالت مقایسه‌ای تشخیص آنچه عادلانه است با در نظر گرفتن اوضاع دیگران تعریف می‌شود مثلاً توزیع یک کیک میان چهار نفر، زمانی عادلانه است که سهم هر نفر با سه نفر دیگر مقایسه شود و اگر همگی سهم برابر داشتند آن کیک عادلانه توزیع شده است. اما عدالت قضایی، غیر مقایسه‌ای است به این معنا که عدالت جزایی و کیفری اقتضای آنست که محاکمه زید منصفانه و عادلانه انجام شود گرچه محاکمه برخی افراد دیگر به طور منصفانه و با رعایت بی طرفی و ضوابط قانونی انجام نشده باشد. (شادمان، ۱۳۹۵، ص ۳۳)

یکی از مهمترین تقسیمات عدالت تقسیم آن به عدالت شکلی یا صوری و عدالت محتوایی است نظریه آنچه در علم منطق برخی شروط و ویژگی‌های که درباره معتبر بودن استدلال و قیاس ذکر می‌شود به جنبه صوری قیاس مربوط می‌شود مثل اینکه در شکل اول، صغرای قیاس باید موجبه و کبرای آن کلیه باشد. مسلم است که صرف رعایت جنبه‌های صوری استدلال، آن را معتبر و موجه نمی‌سازد، بلکه لازم است محتوای قضایای موجود در استدلال نیز منطبق بر ضوابط منطق مواد قضایا باشد. برای مثال در یک استدلال برهانی شکل اول افزون بر دو شرط صوری پیش گفته باید محتوای قضایا از یقینیات باشد. (واعظی، ۱۳۹۳، ص ۵۶)

1 - distributive justice

2 - retributive justice

در مورد عدالت و تعریف آن نیز گاه به سطح صوری عدالت و گاه به سطح محتوایی آن توجه می‌شود برای نمونه این ضابطه کلی که عدالت آن است که با افراد برابر، به طور برابر، و با افراد نابرابر به طور نابرابر رفتار شود. به معیاری صوری و قالبی در عدالت اشاره دارد زیرا به سطح محتوایی عدالت وارد نمی‌شود و هیچ معیاری برای سنجش اینکه کدام گونه تفاوت‌ها مایه نابرابری افراد و توجیه کننده رفتار نابرابر با آنهاست معرفی نمی‌کند. رعایت بی طرفی در اجرای قانون و نبود تبعیض در محاکم قضایی در تطبیق و اجرای قانون به جنبه صوری عدالت معطوف است زیرا به مرز محتوایی عدالت وارد نمی‌شود در این گزاره که قانون باید بی طرفانه و بدون تبعیض اجرا شود و اگر چنین نشد بی عدالتی رخ داده است (شادمان، ۱۳۹۵، ص ۴۵)

اهمیت تامین اجتماعی در نزد حاکم اسلامی

به لحاظ سیر تاریخی، تاسیس دولت اسلامی و تشریح منابع قانونی درآمدها و هزینه‌های آن، آخرین حلقه اقدامات انجام شده برای استقرار نظام تأمین اجتماعی در صدر اسلام است. اما از دیدگاه نظری از آنجا که دولت نبوی، به دلیل برخورداری از صبغه الهی و مسئولیت‌های متنوعی که هم به عنوان وظیفه ذاتی دولت اسلامی و هم به عنوان جهت دهی مردم به سمت استقرار عدالت اجتماعی و تکامل معنوی آنها به عهده داشت، دولت نقش بسیار اساسی و مهمی در دستیابی به اهداف تأمین اجتماعی ایفا می‌کرد. اولین گام در شکل‌گیری دولت نبوی با گذشت پنج ماه از استقرار مسلمانان در مدینه و با تنظیم میثاق نامه امت، که طی آن حاکمیت سیاسی مسلمین در رسول خدا متعین گردید برداشته شد و پس از آن به تدریج با تشریح منابع مالی و وظایف دولت، گام‌های بعدی آن تکمیل گردید.

اولین منبع قانونی درآمد عمومی دولت اسلامی، انفال (ثروت‌های طبیعی و...) خمس بود که در سال دوم هجری با نزول آیه‌هایی از سوره انفال در جریان تقسیم غنایم جنگ بدر تشریح شد. درباره گرفتن خمس از درآمد مازاد بر هزینه کسب در زمان پیامبر مدرک روشنی در دست نیست اما در نامه‌های حضرت به سران قبیله‌ها، خمس به گونه‌ای مطرح شده که بر خمس ارباب مکاسب نیز انطباق دارد. سازوکار دولت اسلامی و نهادهای قانونی بیت المال در صدر اسلام از جهت‌های مختلفی کارکردهای مهمی در زمینه تأمین اجتماعی داشته است. اولین نکته در این زمینه وجود معافیت‌های مالیاتی است. این معافیت‌ها در خمس و زکات به صورت حد نصاب و جوب پرداخت، در مورد جزیه و خراج با تاکید بر این نکته بیان شده است که این مالیات‌ها باید از مازاد درآمد مردم گرفته شوند.

همچنین قاعده کلی در تعیین میزان حقوق کارگزاران دولت اسلامی تأمین کامل مخارج زندگی آنان بود در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است « هرکسی که از جانب ما کاری به او واگذار می‌شود اگر همسر ندارد همسر اختیار کند، اگر خدمتکار ندارد خادم بگیرد اگر فاقد مسکن

است منزل انتخاب کند و اگر مرکب ندارد مرکبی تهیه کند و هرکس بیش از این برداشت کند خیانت کار و یا سارق است. (ابن زنجویه، ۱۴۰۶، ص ۴۹۹)

نکته دیگر جایگاه تأمین نیازهای معیشتی مردم در ویژگی‌های مصارف بیت المال و منابع قانونی در آمدهای آن است. در ناحیه مصارف چنان که در بررسی اهداف تأمین اجتماعی در صدر اسلام گفته شد تأمین نیازهای اقشار آسیب پذیر مانند فقیران، بدهکاران، بردگان، سالمندان از کار افتاده بیماران و... اولین اولویت مصرف و مهمترین هدف وضع این منابع بوده است در ناحیه منابع نیز موارد گرفتن زکات به طور عمده اموالی مانند محصولات دامی و کشاورزی است که ناظر بر نیازهای معیشتی مردم بوده است. (حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸)

در سیاست حمایتی صدر اسلام در بازار کار، ضمن اینکه به عنوان یک اصل اخلاقی بر تناسب میزان دستمزدها با تأمین نیازهای کارگران و کارگزاران تأکید می‌شود مواردی که نشان از تعیین میزان دستمزد و یا وضع حداقل دستمزد توسط دولت باشد مشاهده نمی‌شود. در بازار کالاها و خدمات سالم سازی بازار به شیوه‌های مناسب همواره مورد توجه بوده، موردی که حاکی از قیمت گذاری توسط دولت اسلامی باشد به چشم نمی‌خورد. حتی رسول خدا (ص) در مواردی که کالا در بازار کمیاب شده بود و فقط یک نفر مقداری از آن را در اختیار داشت و برخی از یاران حضرت خواستار تعیین قیمت توسط ایشان بودند از این کار به شدت امتناع می‌فرمود. (ری شهری و حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳)

اجرای نظام تأمین اجتماعی در حکومت صدر اسلام

نظام تأمین اجماعی صدر اسلام که توسط پیامبر اکرم (ص) پایه ریزی و در طول حیات پر برکت ایشان بسیاری از خطوط عملی و اجرایی آن ترسیم شده بود به تدریج آثار و برکات خود را در جامعه نشان داد. این آثار اگرچه از همان سال‌های آغازین هجرت قابل مشاهده بود ولی برای مشاهده تمامی آثار کوتاه مدت و بلند مدت این نظام، باید وضعیت امت اسلامی در سال‌های دورتری را نیز مورد مطالعه قرار داد. برخی کارکردها مانند برچیده شدن بساط برده داری و استقرار نظام بهداشت و درمان، در دوره‌های طولانی تری ظاهر شده اند که بررسی بیشتر آنها از مجال این رساله خارج است. اگر مهمترین هدف نظام تأمین اجتماعی صدر اسلام یعنی رفع فقر را در اینجا به معنای جامع تری که شامل پرداخت دیون، تأمین در راه ماندگان و سالمندان از کار افتاده نیز می‌باشد.

با این وصف با نگاهی به تاریخ حکومت های اسلامی می‌توان به این نتیجه دست یافت که حاکم اسلامی به جهت از بین بردن فقر و ایجاد برابری در جامعه اسلامی به ابزارهایی دسترسی دارد که عبارتند از :

الف : زکات

ب: خمس

ج: طسق (مالیات بر زمین)

د: مالیات‌های حکومتی

ه: انفال

و: اموال مجهول‌المالک و ارث بدون وارث

حکومت پیامبر(ص) و تامین اجتماعی

با نگاهی به تاریخ اسلام، می‌توان به این نتیجه دست یافت که پیامبر (ص) نیز از آغاز حکومت در مدینه، قوانینی را به عنوان حاکم اسلامی بر امور جاریه از قبیل تجارت، کشاورزی، خدمات و صنعت به منظور تنظیم روابط اقتصادی و ایجاد برابری در جامعه در حق بهره‌برداری از آنها وضع نمود. در این میان تحریم برخی فعالیت‌ها همچون ربا، احتکار، شراب‌سازی و پرورش خوک و غیره و حمایت از برخی فعالیت‌های اقتصادی همچون بیع، مضاربه، قرض‌الحسنه و همچنین تسریه مالیات‌هایی همچون خمس، زکات جزیه و خراج، عملاً سیاستگذاری اقتصادی در حکومت صدر اسلام را برنامه‌ریزی نموده و در بسط و گسترش آن تلاش نمودند. از سوی دیگر پیامبر(ص) ماحصل درآمدهای حاصله از سیاستگذاری اقتصادی را در راه توسعه و رفاه مسلمین هزینه می‌نمود. و در این باره فرموده‌اند: «هر حاکمی که مسؤول امور مسلمانان باشد؛ اما بی‌شائبه در جهت رفاه و بهروزی آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد» (الحجاج، ۲۰۰۶، ص ۱۲۶)

توجه به تامین اجتماعی بر محوریت اصل برابری در دولت اسلامی ایران.

این اصل یکی از اصول اساسی و بنیادی اسلام می‌باشد که قانون نیز با الهام از آن برخی از اصول خود را بدان اختصاص داده است. اولین اصل از فصل سوم که در خصوص ملت تنظیم شده است چنین بیان می‌کند: (مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود). بنابراین طبق قانون اساسی نژاد پرستی در هر شکل و شیوه‌اش مردود و باطل شمرده شده و هیچکس حق نخواهد داشت به بهانه اختلافات ظاهری موجبات برتری و امتیاز یکی یا طبقه و گروهی را بر دیگران فراهم آورد. از نظر اسلام تمامی آدمیان به اعتبار خلقت انسانی و اصل انسانیت با هم برابرند و کسی را بر دیگری هیچگونه امتیاز و برتری نیست و به تعبیر قرآن مجید (همه انسانها از یک نفس واحد خلق شده‌اند).^۱

همچنین در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی می‌خوانیم: (دولت جمهوری اسلامی ایران برای

۱ - هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ.

رسیدن به اهداف مندرج در اصل دوم مکلف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی می‌باشد) و در بند ششم از اصل مزبور یکی دیگر از وظایف دولت اسلامی را محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی مقرر کرده است. بنابراین بر مبنای آنچه گفته شد، ملت ایران و بلکه تمامی انسان‌ها به اعتبار اصل خلقت با هم برابر و یکسان بوده و هیچکس را بر دیگری امتیاز نیست. و لذا با توجه به این نکته، تمامی مردم ایران در برابر قانون مساوی و برابر بوده و هیچکس حق ندارد مانع از حمایت قانون از حقوق آحاد ملت گشته و یا خود را برتر از دیگران دانسته و از شمول قانون بگریزد. (جوان آراسته، ۱۳۸۴، ص ۳۶)

مصادیق مساوات و برابری عموم مردم در قانون اساسی

برابر بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی دولت موظف است همه امکانات خود را برای تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون به کار گیرد.

همچنین به موجب اصل بیستم تمامی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

قانون اساسی حتی بالاترین شخصیت نظام را از این اصل مستثنی نکرده و در ذیل اصل ۱۰۷ چنین آورده است: (رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است)

حقوق مساوی زنان و مردان در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنایت به مقام و منزلت زن در تفکر اسلامی علاوه بر اختصاص چندین اصل به حقوق زن، به نحو بسیار رسا و مطلوبی در مقدمه آن جایگاه و ارزش زن را ترسیم نموده و به طور خاص به رعایت حقوق این قشر عظیم توجه داده است.

در بند ۱۴ از اصل سوم، جهت نمایاندن تساوی حقوق زن و مرد و تأمین حقوق همه جانبه زنان، یکی از وظایف دولت را تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون بر می‌شمرد.

همچنین در اصل هشتم از اصول کلی قانون اساسی همان گونه که مردان را موظف به اصلاح جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید زنان را نیز از این امر مستثنی نکرده و این وظیفه اساسی و مهم را بر عهده آنان نیز نهاده است. و همه آنان را با رعایت قانون امر به دعوت به خیر و اشاعه ارزش‌های انسانی و الهی و جلوگیری از ضد ارزش‌ها و منکرات نموده است. (عباسی، ۱۳۸۶، ص ۲۸)

همچنین در بخشی دیگر از فصل سوم ضمن اینکه در جمیع حقوق که برای مردم ایران بر

می‌شمرد تمامی‌آحاد آن را اعم از زن و مرد یکسان در نظر می‌گیرد. بعلاوه در اصول ۲۰ و ۲۱ همین فصل به طور خاص از حقوق زنان و تساوی آنان با مردان در این راستا در اصل بیستم چنین آورده است:

(همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.)
در نظام حقوقی ایران نیز اصل رفتار برابر و عدم تبعیض جنسی هم به طور کلی و هم به طور خاص در حوزه تأمین اجتماعی پذیرفته شده است اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه صراحت دارد همچنین اصل ۱۲۹ قانون اساسی نیز اصل رفتار برابر را پذیرفته است.

بنابراین با استناد به اصول یاد شده، زنان از کلیه حقوق انسانی و به طور خاص حق تأمین اجتماعی به صورت مساوی با مردان برخوردار بوده معنی برای آنها نباید وجود داشته باشد. تنها قیدی که اصل بیستم قانون اساسی بیان می‌دارد رعایت موازین اسلام است. هر چند در حوزه حقوق خصوصی تأثیر گذاری موازین اسلامی و نقش پر رنگ تر است ولی در حوزه حقوق عمومی و از جمله در تأمین اجتماعی همانطور که گفته شد به دلیل این که خصوصیت‌های فردی نقشی ندارد و فرد به عنوان یک انسان موضوع قرار می‌گیرد نقش موازین اسلامی به عنوان مانع، کم‌رنگ و حتی می‌توان گفت در حد صفر است. (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۱۷)

مطالعه اصل بیست و یکم قانون اساسی نیز برای تکمیل بحث ضرورت دارد. بر طبق این اصل دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
- ۲- حمایت از مادران، بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

اتخاذ این گونه تدابیر حمایتی از زنان، نه تنها تبعیض محسوب نمی‌شود بلکه اقدامی در

۱ - اصل بیست و نهم: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

جهت تحقق برابری و مساوات است زیرا یکی از مواردی که تبعیض در آن ممنوع نبوده بلکه مطلوب است، حمایت از کسانی است که در جامعه مورد حمایت قرار گرفته و احتیاج به حمایت ویژه دارند.

از مباحث دیگر در حوزه برابری جنسیتی در حقوق تأمین اجتماعی ایران، می‌توان به مستمری از کار افتادگی اشاره نمود که برای برخورداری از مستمری از کارافتادگی، مردان از حیث قانونی امتیازی بر زنان ندارند و زنان در صورتی که از کار افتاده بشوند می‌توانند از مستمری مربوط به آن همانند مردان استفاده کنند ولی اگر زن نه به صورت مستقل بلکه به شکل تبعی و غیر مستقیم بخواهد از این مزایا برخوردار شود تنها یک شرط باید داشته باشد و آن همسر بودن است در حالی که مرد طبق بند ۱ تبصره ۱ ماده ۷۲ باید بیش از ۶۰ سال داشته یا از کار افتاده کلی باشد و در هر دو حالت، به حکم قانون هیچ نوع مستمری دریافت نکند و معاشش نیز توسط زن تأمین گردد و به عبارت دیگر وابستگی مالی به زن داشته باشد.

دلیل این اختلاف این است که قانون تأمین اجتماعی، همچنان زن را از نظر اقتصادی وابسته به مرد می‌داند و آن را یک اصل محسوب می‌کند. در حالی که در مورد مردان، اصل را بر این قرار داده که نان آور خانواده اند و امری استثنایی است که مردی از نظر اقتصادی وابسته به زن باشد و بنابراین وابستگی باید ثابت شود. با تحولات اجتماعی که در حال رخ دادن است و زنان از نظر اقتصادی کم کم به سوی استقلال پیش می‌روند چنین وضعی بعید به نظر نمی‌رسد و اصل رفتار برابر نیز چنین اقتضایی دارد.

یکی دیگر از مزایای تأمین اجتماعی در برابری اصل جنسیتی، بحث مستمری بازماندگان است در این مستمری شوهر بازمانده و زن بازمانده از شرایط یکسانی برای دریافت مستمری برخوردار نیستند. عیال بیمه شده تنها به این شرط که شوهر اختیار نکرده باشد از مستمری بازماندگان بهره مند است در حالی که شوهر بازمانده در صورتی از این مستمری می‌تواند استفاده کند که (۱) در زمان حیات زن، تحت تکفل او بوده و وابستگی مالی به او داشته باشد (۲) از کار افتاده باشد یا نس او از شصت متجاوز باشد (۳) در هر حال از سازمان هیچ نوع مستمری دیگری دریافت ندارد.

علت اختلاف نیز همان است که در مورد از کار افتادگی و مزایای درمان گفته شد. قانونگذار بر اساس نمونه سنتی خانواده که شامل شوهر به عنوان نان آور خانواده و همسر تحت تکفل او است چنین مقرر داشته ولی باید دانست که این نمونه سنتی در ایران رو به زوال است و این مقررات که زمانی برای رفع نابرابری‌های ناشی از نظام اقتصادی - اجتماعی سودمند بوده خود موجود نابرابری‌هاست. نابرابری‌هایی که برآمده از نظام اجتماعی - اقتصادی نیست، بلکه از حکم مستقیم قانونگذار ناشی شده است. (اعتضاد پور، ۱۳۸۵، ص ۲۶)

حقوق اجتماعی برابر برای همگان

این بخش از حقوق ملت در چندین اصل از اصول قانون اساسی آمده‌است که ذیلاً به هریک از آنها اشاره می‌کنیم. البته ناگفته نماند که قانون اساسی به هیچوجه در صدد احصاء جمیع حقوق ملت نبوده، بلکه تنها به مصادیق مهم آن اشاره کرده است. و چنانچه بر اساس مکتب اسلام حقی برای مسلمانان و دیگر انسانها مقرر گردیده باشد، دولت و دیگران موظف به رعایت آنها بوده و عدم ذکر آنها در قانون اساسی به منزله عدم پذیرش آنها نیست. (خواجہ سروی، ۱۳۹۰، ص ۳۶)

حق داشتن شغل مناسب

اشتغال هر فرد در جمهوری اسلامی ایران از دو جهت مورد توجه قانونگذار بوده است. جهت اول آزادی انتخاب نوع و کیفیت شغل است که بر اساس صدر اصل ۲۸ قانون اساسی و طبق آنچه در مباحث مربوط به آزادی‌های عمومی آورده شده هرکس هر شغلی را که مایل است می‌تواند انتخاب کند لیکن مشروط بر اینکه مغایر با دستورات اسلام و مصالح عمومی نباشد. مثلاً کسی حق ندارد به استناد اصل آزادی انتخاب شغل در جامعه اسلامی به ایجاد مراکز فساد و فحشاء و به تولید مواد مخدر و افیونی بپردازد.

جهت دوم، حق داشتن شغل مناسب و کار مناسب با استعداد و توانایی اشخاص است که به موجب ذیل اصل ۲۸ قانون اساسی، این امر به عنوان یک حق مسلم هر فرد ایرانی بر عهده دولت گذاشته شده او را موظف کرده است که با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

پس طبق روی دوم سکه اشتغال، ایجاد امکانات لازم و زمینه‌های مناسب برای اشتغال یکار افراد در درجه اول از وظایف دولت است و در صورتی که دولت قادر به چنین امری نباشد باید از کسانی که امکان اشتغال آنها فراهم نشده به نحوی حمایت کند تا به گونه ای که هیچ فردی به دلیل بیکاری دچار مشکلات اقتصادی در امر اداره امور خود و خانواده نگردد.

همچنین در بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی یکی از اصول اساسی و ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند از طرفی که در همین بند یادآور شده است بیان می‌کند. بنابراین هیچکس نباید به دلیل عدم دسترسی به کار مناسب و شغل منطقی با شئون خود از هستی ساقط شده و دولت از محل درآمدهای ملی از او حمایت نکند. (امین، ۱۳۸۹، ص ۳۳)

حق برخورداری از تأمین اجتماعی

علاوه بر بیکاری ممکن است افراد یک اجتماع در اثر پیری و از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و یا در اثر بازنشستگی و نظایر آنها قادر به امرار معاش و تأمین رفاه اقتصادی خود و بستگان وابسته به او نباشند، لذا قانون اساسی در صدر اصل ۲۹، برخورداری از تأمین اجتماعی، به دلیل بروز عوامل فوق الذکر را به عنوان یک حق مسلم از جانب ملت بر دوش دولت نهاده و او را به برآوردن نیازها و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی از طریق بیمه و حمایت‌های مالی و نظایر آن موظف نموده است. این امر ریشه در تعالیم اسلام داشته و اجازه نمی‌دهد که تا انسان قدرت بازو و جوارح دارد از او کار کشیده و بهره گیرند و آنگاه که از کار باز ایستد و او را همانند یک حیوان علیل و ناتوان به حال خود رها سازند. بلکه حاکم و دولت اسلامی مکلف است از بیت المال مسلمین زندگی و حیات اجتماعی همه درماندگان را متناسب با حال اجتماع تضمین نماید. (شعبانی، ۱۳۹۰، ص ۹۸)

احکام و مقررات صریح پیرامون تأمین اجتماعی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخورداری از تأمین اجتماعی را حقی همگانی عنوان کرده است قانون مزبور حق فردی تأمین اجتماعی را در ۲ ماده تنظیم نموده است این قانون موارد مذکور در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر را به طور کامل در اصل بیست و نهم خود جای داده است. اصل برخورداری هر فرد از حقوق تأمین اجتماعی در اعلامیه مزبور در قالب اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حق، مورد تاکید قرار گرفته است. به موجب اصل مزبور برخورداری از تأمین اجتماعی به لحاظ بازنشستگی، بیکاری، سالخوردگی از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی همگانی است. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای فرد افراد کشور تأمین کند. از اصل مزبور نکاتی چند قابل استخراج است:

تأمین اجتماعی به عنوان یک حق انسانی است این حق در هیچ شرایطی از فرد قابل گرفتن نبوده غیر قابل عدول است این ویژگی نتیجه طبیعی حق بشری بودن تأمین اجتماعی است.

حق تأمین اجتماعی برای برخورداری هر کس و برطرف کننده نیازهای اجتماعی و اقتصادی و تضمین کننده وضعیت حال و آینده افراد بدون در نظر گرفتن دارایی و توان فرد یا حتی بیگانه یا تبعه بودن اوست. به عبارت دیگر دولت نمی‌تواند برخی از آحاد مردم را با ملاحظاتی چون بی نیازی یا توان مالی از شمول تأمین اجتماعی مستثنی نماید. (مجتهدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵)

اگر در حال حاضر هم همه آحاد مردم امکان استفاده از این حق را نداشته باشند در هر حال

عملی ساختن آن نیز جزو تکالیف دولت است که باید به فراهم ساختن آن اقدامات لازم را به عمل آورد. تحقق این تکلیف نیز با اتخاذ تدابیر لازم و ایجاد تشکیلاتی در این جهت ضروری است جای گرفتن حق تأمین اجتماعی در داخل حقوق اجتماعی قانون اساسی به نحوی که گذشت موجد توقع عمومی از دولت است که منبعث از حق هر فرد بوده دولت نیز مکلف به برآورده ساختن درخواست مزبور می‌باشد. به تعبیر دیگر قانون اساسی برخورداری از زندگی توأم با عزت و بالندگی مادی و معنوی افراد را به صورت حق و اختیار پذیرفته دولت را مکلف به فراهم ساختن شرایط لازم آن دانسته است.

نتیجه گیری

اصل برابری از جمله اصول مهم و زیربنای هر تلاشی است که هدف از آن اجرای مساوات و عدالت در جامعه باشد، مطمئناً با برقراری برابری و عدالت در جامعه، تبعیض نیز از بین خواهد رفت، زیرا تبعیض زمانی ایجاد خواهد شد که برابری و عدالت نادیده گرفته شود. با نگاهی به حکومت های صدر اسلام از زمان پیامبر خاتم (ص) تا حکومت علی (ع)، صرفاً می توان حکومت صدر اسلام و امیرالمومنین (ع) را نمادی از حکومت هایی با رویکرد به برقراری عدالت و مساوات نام نهاد و شاید بتوان این دو حکومت را پرچمدار مبارزه با فقر و برقراری عدالت در جامعه برشمرد. همچنین با توجه به خط مشی سیاستگذاری حکومت پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) توجه به فقرا و زنان و کودکان و اصولاً اقشار با درآمد ضعیف جامعه، و توجه به آنان در زمان تقسیم غنائم جنگی و هزینه بخشی از درآمدهای دولت در راه رفاه این دسته از اقشار جامعه، بیانگر اهمیت رفاه و تأمین اجتماعی در نزد دو مقام حاکم بزرگوار اسلامی می باشد. بر همین اساس قانون اساسی دولت اسلامی ایران، با تأسی از قوانین و شریعت اسلامی تنظیم و وظایفی را بر دوش دولت اسلامی مبتنی بر دخالت در برقراری تأمین اجتماعی و ایجاد رفاه برای شهروندان بر مبنای عدالت و برابری و بدور از هرگونه تبعیض، ترسیم نموده است. با توجه به الزام دولت اسلامی، به تبعیت از این قوانین، به نظر می رسد که هر چند برقراری مساوات و برابری و عدم تبعیض در جامعه اسلامی به لحاظ دستیابی به امکانات رفاهی، در حد مطلوب برقرار نگردیده است، اما سعی و تلاش وافر دولت و همچنین نظارت های قانونی بر اجرای مصادیق فوق در حوزه تأمین اجتماعی، بیانگر اراده حکومت اسلامی ایران، در راستای برقراری عدالت و پیروی از سنت رسول اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) می باشد.

فهرست منابع

۱. ابن زنجويه، حميد، (۱۴۰۶)، الاموال، رياض، مركز الملك فيصل للبحوث و الدراسات الاسلاميه.
۲. ارسطو، (۱۳۸۳)، اخلاق نيكوماخوس، ترجمه محمد حسن لطفى، تهران انتشارات طرح نو.
۳. استوار سنگرى، كوروش، (۱۳۹۳)، حقوق تامين اجتماعى، چاپ چهارم، تهران، انتشارات ميزان.
۴. اعتضاد پور، ناهيد، (۱۳۸۸)، تامين اجتماعى در ايران، موسسه علمى پژوهشى تامين اجتماعى.
۵. الحجاج، المسلم، (۲۰۰۶)، صحيح مسلم، ج ۱۰، نشر دارالطيبه، ص ۱۲۶.
۶. امين، سيد حسن، (۱۳۸۹)، قانون اساسى و حقوق شهروندى، مجموعه مقالات همایش جمهوريت و انقلاب اسلامى، تهران، سازمان مدارك فرهنگى انقلاب اسلامى، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
۷. پناهى، بهرام، (۱۳۷۶)، اصول ومباني تامين اجتماعى تهران موسسه علمى پژوهشى تامين اجتماعى.
۸. جوان آراسته، حسين، (۱۳۸۹)، حقوق اجتماعى و سياسى در ايران، (تهران، نشر معارف).
۹. حسيني، سيدرضا، (۱۳۹۴)، الگوهاى تامين اجتماعى از ديده گاه اسلام و غرب، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. حكيمى، محمد رضا، (۱۳۹۴)، الحياه، نشر دليل ما.
۱۱. خواجه سروى، غلامرضا، (۱۳۹۰)، سياست و حكومت در جمهورى اسلامى ايران، (تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)).
۱۲. رى شهرى، محمد، حسيني. سيدرضا، (۱۳۸۶)، التنميه الاقتصاديه فى الكتاب والسنة، قم دارالحديث.
۱۳. زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۷۸)، نظام‌های سنتی تأمین اجتماعى، سال اول، شماره سوم.
۱۴. شادمان، افسانه، (۱۳۹۵)، جایگاه عدالت معاوضی و توزیعی در حقوق خصوصى ايران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصى، دانشگاه آزاد اسلامى واحد اردبیل.
۱۵. شعبانى، قاسم، (۱۳۹۰)، حقوق اساسى و ساختار حكومت در جمهورى اسلامى ايران، (تهران، نشر، اطلاعات، چاپ چهل و دوم).
۱۶. عباسى، بيژن، (۱۳۸۶)، حقوق اساسى در دوران مطلق گرايى، تهران: نشریه حقوق اساسى، شماره ۸، سال چهارم.

۱۷. فارابی، ابونصر، (۱۹۹۶)، اهل المدینه الفاضله، تحقیق البیر نصری نادر، بیروت نشر دارالمشرق.
۱۸. مجتهدی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، مبانی حقوق و فرایند تاریخی تأمین اجتماعی، مجموعه مقالات همایش تبیین جایگاه تأمین اجتماعی، انتشارات آدینه.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، عدل الهی، تهران انتشارات صدرا
۲۰. موسوی، فضل الله، (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی شرایط کار زنان و نوجوانان
۲۱. واعظی، احمد، (۱۳۹۳)، عدالت توزیعی و اجرای قوانین، فصلنامه علمی - پژوهشی قبسات، فلسفه دین و کلام. شماره ۳۷.
۲۲. هندی، متقی علی بن حسام الدین، (۱۴۱۹)، کنزالمعال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱، بیروت، لبنان نشر، دارالکتب العلمیه .
23. Atkinson, A. B (1989). Poverty and Social Security, Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf.
24. Watson, P (1980). Social Security Law of the European Communities, Oxford: Mansell.